

تصحیح انتقادی تُمُرنامه هاتفی؛ متنی حماسی متأثر از شاهنامه فردوسی

حسن بساک* - محمدرضا قاسم‌زاده شاندیز**

چکیده

مولانا عبدالله هاتفی از شاعران دوره تیموری و اوایل عصر صفوی است که علاوه بر دیوان اشعار و مثنوی شاهنامه حضرت شاه اسماعیل، به تقلید از خمسه نظامی چهار مثنوی سروده است. هاتفی خواهرزاده عبدالرحمن جامی و از شاگردان وی است و جامی هاتفی را به خمسه‌سرایی تشویق کرد. «تُمُرنامه» معروفترین اثر هاتفی است که به تقلید از شاهنامه فردوسی و اسکندرنامه نظامی سروده شده است. این حماسه تاریخی به شرح زندگی تیمور گورکان به خصوص جنگ‌ها و نبردهای وی می‌پردازد. معانی تازه و لطیف، توصیف‌های زیبا و بدیع و آرایه‌های لفظی و معنوی، این مثنوی را در ردیف مهم‌ترین حماسه‌های تاریخی ادبیات فارسی قرار داده است. همچنین وجود واژگان کهن و نادر، لغات و اصطلاحات ترکی و مغولی رایج در زبان فارسی، آن را منبعی شایسته توجه فرهنگ‌نویسان قرار داده است. جنبه تاریخی اثر نیز حائز اهمیت فراوانی است. تصحیح این اثر می‌تواند فضای جدیدی برای پژوهش‌های گسترده‌تر در باب هاتفی و سبک آثار و اوضاع روزگارش فراهم آورد.

واژه‌های کلیدی

هاتفی، منظومه تُمُرنامه، نسخه خطی، ادبیات حماسی، عصر تیموری.

۱- مقدمه، بیان مسأله تحقیق

یکی از راه‌های شناخت پیشینه فرهنگی و وضعیت فکری، علمی، ادبی و زبانی گذشتگان، شناخت آثار مکتوب آنها است. هر یک از دست‌نوشته‌های پیشینیان در حکم حلقه‌ای از زنجیره تمدن و فرهنگ ما به شمار می‌آید. با تصحیح و احیای آثار گذشتگان و بازگرداندن آثاری که به صورت نسخه خطی در کنج کتابخانه‌ها مهجور مانده‌اند - به نحوی که بر پایه اصول و موازین نقد و تصحیح استوار باشد- می‌توان این زنجیره را کامل‌تر کرد و به شناختی دقیق و قضاوتی صحیح‌تر درباره پیشینه فرهنگ و ادب ایران رسید. این ضرورت در حوزه زبان و ادبیات بیشتر احساس می‌شود زیرا هر

* استادیار زبان و ادبیات فارسی دانشگاه پیام نور (نویسنده مسؤل) bassak@pnu.ac.ir

** کارشناس ارشد زبان و ادبیات فارسی ghasemzade.sh@yahoo.com

متنی گوشه‌ای از ساختار و تاریخ تطوّر زبان و ادبیات ما را نشان می‌دهد. منظومه «تُمُرنامه» از نسخه‌های خطی دوره تیموری است که تا کنون تصحیح انتقادی نشده است بنابر این تصحیح و چاپ آن می‌تواند ما را با ادبیات و ویژگی‌های زبانی این دوره آشنا تر سازد.

تصحیح این متن، تلاشی برای احیا و بازگرداندن یکی از متون ادبی عصر تیموری به مجموعه بزرگ ادب فارسی است و موجب فراهم آوردن زمینه مناسب برای آشنایی بیشتر محققان، دانشجویان و دوستداران ادب فارسی، با یکی از شخصیت‌های مهم ادبی روزگار تیموری است که تا کنون مورد توجه قرار نگرفته است.^۱

منظومه «تُمُرنامه» شباهت‌هایی با منظومه‌های حماسی مشهور چون «شاهنامه فردوسی» و «اسکندرنامه نظامی» دارد و لذا آشنایی با آن می‌تواند هم زمینه مطالعه تأثیر بزرگانی چون فردوسی و نظامی را تا عصر مؤلف فراهم سازد و هم زمینه‌ای برای آشنایی بیشتر با دیگر منظومه‌های حماسی ادب فارسی باشد؛ بنابراین جای خالی تصحیح انتقادی تُمُرنامه به عنوان مهم‌ترین حماسه دوره تیموری، نه تنها در مجموعه ادب حماسی بلکه در پهنه ادبیات فارسی محسوس بود. نویسندگان در این مقاله ضمن معرفی این منظومه حماسی، سراینده و دیگر آثار وی، نسخه‌های خطی مورد استفاده در تصحیح و شیوه تصحیح، زیبایی‌های ادبی و هنری و جایگاه «تُمُرنامه» را نیز در ادب فارسی مورد بررسی قرار داده‌اند.

۲- اوضاع اجتماعی و ادبی در عصر تیموری

با وجود کثرت جنگ‌ها و منازعات داخلی و خارجی، دوران تیموری از بعضی جهات، یکی از ادوار پربرونق ادبی به شمار می‌آید، به نحوی که می‌توان آن را آخرین دوره مهم قدیم در ادب فارسی شمرد. از طرف دیگر، این دوره خود مقدمه آغاز عهده کاملاً نو شد و سبک جدید عصر صفوی را پایه‌ریزی کرد. مهم‌ترین ویژگی‌های ادبی این دوره به قرار زیر است:

۱-۲. رواج و انتشار شعر و ادبیات و عمومیت یافتن آن

در این دوره، شعر و اشتغال به شاعری در میان همه طبقات مردم، از دانشمند و عامی و عالم دین و پیشه‌ور و امیر و سلطان دیده می‌شود. نگاهی به برخی مشاغل شاعران این دوره مؤید این نکته است: مولانا مشرقی و مولانا سعدی؛ کاسه‌گر؛ مولانا قبولی و میرارغنون؛ خیمه دوز؛ مولانا قدیمی؛ نقاره‌چی؛ مولانا نازین؛ کیسه‌دوز؛ مولانا عبدالوهاب اسفراینی؛ قاضی. البته این رواج بیش از حد شعر در بین عامی و عادی و اُمّی تبعات منفی نیز برای شعر داشته است به گونه‌ای که شعر فارسی را از معنی و مضامین بکر و زیبای ادبی تهی می‌کند و به زبان محاوره نزدیک می‌سازد. دولتشاه سمرقندی در این باره در تذکره الشعرا می‌گوید: «در این روزگار قدر این فرقه شکست یافته و متزلزل شده‌اند، سبب آن که ناهلان و بی‌استحقاقان مدعی این شغل شده‌اند. هر جا که گوش کنی زمزمه شاعری است و هر جا نظر کنی لطیفی و ظریفی و ناظری است اما شعر از شعر و ردیف از ردیف نمی‌دانند» (دولتشاه، ۱۳۳۷: ۱۳).

علل عمده رواج شعر و شاعری را می‌توان در موارد زیر خلاصه کرد:

«۱- شعر دوستی امرا و شاهزادگان تیموری و تشویق ایشان از شعرا.

۲- وقوع حوادث و مصائبی که خاطر ایرانیان را سخت آزرده ساخت و دردمندی خاصی که مناسب سرودن شعر است در ایشان پدید آورد.

۳- تعدّد دربارهایی که طالب و خریدار آثار شعرا بودند» (یارشاطر، ۱۳۳۴: ۶۰).

۲-۲. کثرت شعرا

امیرعلیشیر نوایی در کتاب مجالس النفایس، شرح حال پانصد و هفتاد و چهار شاعر این دوره را ذکر می‌کند. سعید نفیسی نیز در جلد اول کتاب تاریخ نظم و نثر در ایران بیش از هزار شاعر را که در قرن نهم می‌زیسته‌اند نام برده است (نفیسی، ۱۳۶۳).

گذشته از شعرای عادی تقریباً «اغلب اهل فضل و دانش و بیشتر شاهان و شاهزادگان تیموری و بسیاری از رجال دولتی آنان و حتی عده‌ای کثیری از زنان نیز شعر می‌سرودند» (صفا، ۱۳۷۱: ۱۶۰/۴).

۲-۳. شعر دوستی و ادب پروری تیموریان

شاهان و شاهزادگان تیموری نه تنها اغلب شعر دوست و ادب پرور بودند بلکه بسیاری از ایشان خود نیز شعر می‌سرودند و اشعار بسیاری از شعرا را می‌خواندند و حفظ می‌کردند. «تیمور در سوگواری فرزندش، عمر شیخ، این رباعی را مناسب حال می‌خواند و زار زار می‌گریست:

ای رانده به میدان قضا از من پیش
بر ریش دلم زده ز محنت صد نیش
گفتم که تو وارثم شوی در همه کیش
رفتی و مرا گذاشتی وارث خویش»
(دولتشاه، ۱۳۳۷: ۴۱۹).

«الغبیگ میرزا، پسر شاهرخ که در شمار دانشمندان بزرگ این دوران است شعر فارسی را خوب می‌گفت و این مطلع مشهور را به نام او نوشته‌اند:

هر چند ملک حُسن به زیر نگین توست
شوخی مکن که چشم بد اندر کمین توست»
(صفا، ۱۳۷۱: ۱۳۱/۴)

سلطان حسین میرزای بایقرا، متخلّص به «حسین» به فارسی و ترکی شعر می‌گفت و دیوان شعر ترکی اش به طبع رسیده است. باید گفت دوره تیموری، به راستی به دلیل کثرت امیرزادگان فاضل و هنرپرور و شاعرنواز، در ادوار ادبی ایران دوره کم‌نظیری است. شعر دوستی و ادب پروری تیموریان بیشتر به دلیل ثروت و شکوه دستگاه تیموریان، علاقه و اشتغال شخصی شاهزادگان تیموری به هنرهای زیبا مخصوصاً شعر و سرانجام رقابت با سلسله‌های معروف پیشین در شاعرنوازی است.

۳- معرفی هاتقی

مولانا عبدالله هاتقی خرجردی از شاعران بزرگ اواخر دوره تیموری و اوایل عصر صفوی است. سال تولّد هاتقی، با توجه به ملاقات وی با شاه اسماعیل صفوی که در سال ۹۱۶ هـ. ق. و در ۹۴ سالگی شاعر اتّفاق افتاده است، ۸۲۲ هـ. ق. است. بنا به روایت اغلب تذکره‌نویسان هاتقی، خواهرزاده جامی و از شاگردان اوست. پدرش نیز «از خواجهگان صاحب جاه خرجرد بوده است» (فخرالزمانی، ۱۳۴۰: ۱۱۵ و ۱۱۲).

باید دانست در خراسان قدیم دو مکان با نام خرجرد (خرگرد) وجود داشته است:

یکی خرجرد خواف که مدرسه غیائیه از آثار باستانی مشهور آن است و اکنون با همین نام به حیات خود ادامه می‌دهد. دیگری خرجرد جام که زادگاه هاتقی است و امروزه با نام «لنگر» در بیست و چهار کیلومتری غرب تربت جام واقع شده و آرامگاه شاعر و عارف نامی، شاه قاسم انوار، در آن واقع است.

هاتفی تحصیلات مقدماتی را در خرگرد به انجام رساند. پس از آن به هرات رفت و سال‌ها از محضر دایی خود بهره‌مند شد و در کنف حمایت و تربیت او روزگار گذراند. امیرعلیشیر نوایی، وزیر مشهور سلطان حسین بایقرا و از معاصران هاتفی، درباره روزگار جوانی وی این گونه می‌نویسد: «اگرچه در اوایل از حیثیت جوانی که شعبه‌ای است از جنون، ناملایمی داشت، حالا اوقاتش مضبوط و مقولاتش مربوط معلوم می‌شود و به جای ناز، نیاز و در مقابله برودت، سوز و گداز جلوه می‌دهد» (امیرعلیشیر، ۱۳۲۳: ۶۲).

او به تدریج از این شرایط دست برداشت و در زادگاه خود «چهار باغی ساخته و در آنجا متوطن شده و اکثر اوقات در آن را بسته و با مردم کمتر اختلاط می‌کرد» (سام میرزا، ۱۳۵۴: ۱۶۳).

وی گاه‌گاه برای زیارت جامی به هرات می‌رفت. «هر بار که از جام به هرات می‌آمد، سلطان حسین بایقرا و امیرعلیشیر نوایی که وزیر اعظم و سپهسالار وی بوده، وی را عزت بسیار می‌نموده‌اند و مظفر حسین میرزا و کپک میرزا و میرزا بدیع‌الزمان، شاهزادگان تیموری، و نیز ملا آصفی، شاعر معروف، با وی نهایت اتحاد و یگانگی داشته‌اند و همیشه تعظیم و تکریم هاتفی نکته‌سنج را به جامی آورده‌اند» (فخرالزمانی، ۱۳۴۰: ۱۱۴).

هاتفی اوقات خود را به زراعت و عمارت می‌گذراند و همیشه بیل در دست، مشغول درخت نشاندن و تخم افشاندن بود و هر سال حاصل زراعت خود را صرف فقرا و مساکین می‌نمود و از همین راه نیز امرار معاش می‌کرد: «آورده‌اند که آن طوطی شکرستان بلاغت اصلاً طمع از حکام نمی‌کرد» (فخرالزمانی، ۱۳۴۰: ۱۱۴). وی در هیچ یک از سروده‌های خود مدح پادشاهی را نکرد. در طریقت عرفانی خود به سلسله کبرویه منسوب بود و در جوار منزل خود خانقاهی ساخته بود و با جمعی از درویشان، لیل و نهار به عبادت پروردگار مشغول بود.

وی در سال ۹۲۷ هـ. ق. در زادگاه خود خرگرد جام، چشم از جهان فرو بست و در چهار باغ خود مدفون گردید. تاریخ وفات وی را یکی از شاعران معاصرش به نام حبیب‌الله معرف که به فصاحت بیان و طلاقت لسان متصف بوده سروده است. جای تعجب است که عبدالنبی فخرالزمانی ضمن آوردن این ابیات، سال وفات هاتفی را سال ۹۱۴ هـ. ق. ذکر می‌کند، البته سهل‌انگاری کاتبان در این باره محتمل به نظر می‌رسد:

از باغ دهر هاتفی خوش کلام رفت	سوی ریاض خُلد به صد عیش و صد طرب
جان داد و رو به روضه پاک رسول گفت:	روحی فداک ای صنم ابطحی لقب
رفت از جهان کسی که بود لطف شعر او	آشوب ترک و شور عجم، فتنه عرب
تاریخ فوت او طلیدم ز عقل گفت:	از «شاعر شهان» و «شه شاعران» طلب

(فخرالزمانی، ۱۳۴۰: ۱۱۸)

۳-۱- مقلدان هاتفی

قاسمی گنابادی

از شاعران مثنوی سرای قرن دهم و هم‌عصر شاه اسماعیل و شاه تهماسب صفوی است که به تقلید از خمسه نظامی هفت مثنوی سروده که سه مثنوی آن در برابر اسکندرنامه نظامی سروده است: شاهرخ‌نامه، شهنامه‌ماضی، شاهنامه نواب عالی.

قاسمی از شاگردان (نفیسی، ۱۳۶۳: ۱/۱۴۰) و مقلدان هاتفی است و در سخن وی تأثیر مستقیم پیروان نظامی به ویژه جامی و هاتفی آشکار است. وی بعد از هاتفی، استاد سلف خویش، سعی کرده وقایع پرآشوب صفویان را به سبک

داستان تاریخی و به روش تُمُرنامه و شاهنامه هاتفی به سبک نظم درآورد. «قاسمی گنابادی، مثنوی نیمه‌تمام هاتفی درباره شاه اسماعیل را به پایان رساند» (ریپکا، ۱۳۸۳: ۵۱۳) و نام آن را شهنامه ماضی گذاشت. «قاسمی به تقدّم استادانی چون جامی و هاتفی در سرودن حماسه‌های تاریخی بدین گونه اشاره کرده است:

ز انفاس وی عالمی زنده گشت	چو خورشید جامی فروزنده گشت
چو خضر از حریفان فراموش کرد	می جانفزای سخن نوش کرد
سریر سخن بر ثریا نهاد	در این بحر چون هاتفی پا نهاد
که پر کرد از آن دامن روزگار»	برآورد چندان دُر شاهوار

(درودگریان، ۱۳۸۶: شانزده)

عبدی بیگ شیرازی (نویدی)

خواجه زین‌العابدین علی نویدی از شاعران قرن دهم، متخلص به نویدی از شاعران مکتب ادبی نظامی است که به تقلید از او خمسه‌ای آفریده است. بی‌شک وی نیز در سرایش خمسه‌اش آثار هاتفی را پیش روی داشته و رنگ و بوی تقلید از آثار هاتفی در خمسه‌اش به مشام می‌رسد. عبدی بیگ در مجنون و لیلی خود نام شاعرانی را که پیش از او لیلی و مجنون سروده‌اند ذکر کرده و هاتفی و امیرخسرو دهلوی را برتر از دیگران می‌شمارد. عبدی بیگ با یک واسطه شاگرد هاتفی محسوب می‌شود زیرا وی شاگرد قاسمی گنابادی است. وی در ابتدای مجنون و لیلی درباره هاتفی این گونه می‌سراید:

نوبـاوه باغ نکتـه دانـی	کو بلبـل گلشن معانی
افسانه او ترانه آمیز	آن هاتفی فسانه انگیز
رشح قلمش ز خون دل‌ها	افسانه او فسون دل‌ها
در سحر و فسون فسانه شهر	خاقانی دور و خسرو دهر

(عبدی بیگ شیرازی، ۱۹۹۶: ۳۸)

میر محمد اسماعیل خان ابجدی الشعراء معروف به ابجدی هندی

ابجدی از شاعران پارسی‌گوی شبه قاره است که به تقلید از خمسه نظامی شش مثنوی سروده که پنج‌تای آن در برابر پنج گنج نظامی است. دوّمین مثنوی وی «انورنامه» در شرح دلاوری‌های نواب حاجی محمد انورالدین خان بهادر است. شاعر در خلق این اثر حماسی، شاهنامه فردوسی، اسکندرنامه نظامی و تُمُرنامه هاتفی را پیش روی داشته و سبک هاتفی در تُمُرنامه در این اثر مشهود است. شاعر در پایان انورنامه به این امر اشاره‌ای می‌کند:

... و زان پس همان هاتفی آمده	به ملک سخن بیرقی در زده
چو دریای موج افشانند در	برافروخت زان در چراغ تمر

(ابجدی هندی، ۱۹۴۴: ۴۰۷)

۴- آثار هاتفی

هاتفی از مشهورترین مقلدان نظامی در خمسه‌سرایی است اما تنها به استقبال چهار اثر نظامی رفته است و خمسه او ناتمام است. «هاتفی در آغاز، نیت و قصد خود برای اقتباس از خمسه نظامی را با استاد و دایی خود، جامی، مطرح

نموده و از وی اذن و اجازه خواست. جامی پس از طبع آزمایی وی، اجازه اقتباس می‌دهد» (سام میرزا، ۱۳۵۴: ۱۶۱). آثار هاتفی به جز «تمرنامه» به شرح زیر است:

۴-۱. لیلی و مجنون

این اثر نخستین سروده هاتفی است. گویند برای سرودن آن دیگر بار به نزد استاد و دایی خود مولانا جامی رفت و استدعای آن نمود که: «افتتاح لیلی و مجنون شما بکنید. مولانا جامی این بیت بگفت: این نامه که خامه کرد بنیاد/توقیع قبول روزی‌اش باد؛ این دعا در حق او مستجاب شد و به اتمام آن توفیق یافت و الحق بسیار خوب و مرغوب گفته» (سام میرزا، ۱۳۵۴: ۱۶۱).

هاتفی این مثنوی را به شاه قاسم انوار تقدیم نموده و در آغاز کتاب از وی به نیکی یاد کرده و از روضه پاک او مدد خواسته است. این مثنوی به انضمام اولین بیت آن که سروده جامی است، ۲۶۰۵ بیت دارد که توسط آقای سعدالله اسدالله‌یف در مسکو تصحیح و چاپ شده است. لیلی و مجنون هاتفی یک بار به فرانسوی یک بار به زبان ترکی و دوبار به زبان لهستانی ترجمه شده است.

۴-۲. شیرین و خسرو

شاعر این داستان را نیز به تشویق و مصلحت عبدالرحمن جامی به نظم درآورده است و آن را به امیر علیشیر نوایی تقدیم کرد. موضوع مثنوی همان عشق و دلدادگی خسرو پرویز و شیرین است که قبل از هاتفی شاعرانی همچون نظامی و امیرخسرو دهلوی در آن باب داد سخن داده‌اند. هاتفی در این موضوع نیز مضمون‌های تازه و معانی لطیفی خلق کرده و کار او تلقید صرف نیست. تعداد ابیات آن بنا بر تصحیح اسدالله‌یف ۱۸۱۵ بیت است.

۴-۳. هفت منظر

هاتفی این مثنوی را که داستان بهرام گور است، در برابر هفت پیکر نظامی در بحر خفیف سروده است. شماره ابیات طبق نسخه خطی موجود در مدرسه عالی سپهسالار به شماره ۱۱۵۳/۲، ۲۶۶۶ بیت است. نسخه موجود در کتابخانه ملی ملک حدود ۲۱۰۰ بیت است. «جمع نسخه‌های شناخته شده هفت منظر، ۲۲ نسخه می‌باشد» (هاتفی، ۱۹۷۷: XLIV). در قرن هفدهم شاعر ترک، لامعی برسوی، این کتاب را به ترکی ترجمه کرد. همچنین در سال ۱۸۹۷ میلادی نویسنده‌ای فرانسوی به نام «دو ویلمورن» کتابی به زبان فرانسه با نام «باغ کامیابی‌ها» منتشر کرد که مشتمل بر هفت داستان از داستان‌های منظوم فارسی بود و سه داستان آن از هفت منظر هاتفی انتخاب شده بود.

۴-۴. شاهنامه هاتفی

در ملاقاتی که شاه اسماعیل صفوی با هاتفی داشته، از وی می‌خواهد همان‌گونه که جنگ‌ها و دلاوری‌های تیمور را به نظم کشیده است، حماسه وی را نیز به نظم درآورد. هاتفی می‌پذیرد اما آن‌گونه که تذکره‌نویسان نوشته‌اند عمرش کفاف نمی‌دهد و مثنوی ناتمام می‌ماند. به نظر می‌رسد دلیل اصلی ناتمام ماندن مثنوی، مخالفت شاعر با حرکات سیاسی شاه اسماعیل مخصوصاً کینه و دشمنی بیش از حد وی با مردم هرات بوده است. این اثر با نام‌های اسماعیل‌نامه، شاهنامه حضرت شاه اسماعیل، فتوحات شاهی و شهنشاه نامه هاتفی نیز شناخته شده است. شاهنامه هاتفی که شامل ۱۱۳۷ بیت است در سال ۱۳۸۷ توسط آقای سیدعلی آل داود تصحیح شد و انتشارات فرهنگستان زبان و ادب فارسی آن را چاپ نمود (ر.ک. هاتفی، ۱۳۸۷).

۴-۵. دیوان اشعار

هاتقی در انواع قالب‌های شعری، شعر سروده است، به خصوص غزل، قصیده، قطعه و رباعی. وی در آغاز «تُمُرنامه»

چنین می‌سراید:

نشاندم جواهر بر اهل جهان	همه لایق گوشوار شهان
ز سر حدّ چین تا به اقصای روم	رسید آن جواهر به هر مرز و بوم
نگویی همین در فن مثنوی	سخن را دهم زینت خسروی
به هر شیوه کز نظم سازم علم	ستانم ز دست عطارد قلم
بلند آسمانی اگر همچو میغ	به دامن گهر ریزدم بی‌دریغ،
دهم در قصائد بدان سان ندا	که خاقانی آنجا کند جان فدا
مدد کرده روح القدس آن دم	که در قالب انوری جان دهم
به جلوه درآید گر آن دل فریب	که از دل رود صبر و از جان شکیب
طریق غزل را ببینند چیست	کدام است خسرو، حسن نیز کیست

(هاتقی، بی‌تا، ۱۵ پ)

صاحب تذکره میخانه می‌نویسد: «قصاید و غزلیات و مقطعاتش با رباعیات او پنج هزار بوده باشد» (فخرالزمانی، ۱۳۴۰: ۱۱۹). یک نسخه از دیوان هاتقی تحت شماره ۸۳۴ در دارالکتب قاهره محفوظ است. اشعار شاعر در بیاض‌ها و جنگ‌ها نیز آمده است.

۴-۶. رساله قافیه

در جلد هشتم نسخه‌های خطی دانشگاه تهران رساله‌ایی در علم قافیه به هاتقی نسبت داده شده است (دانش‌پژوه، ۱۳۳۹: ۲۷۸/۸). این رساله در هیچ یک از تذکره‌هایی که آثار هاتقی را برشمرده‌اند ذکر نشده است و نمی‌توان به طور حتم آن را به مولانا هاتقی نسبت داد.

۵- معرفی تُمُرنامه

این مثنوی در آثار ادیبان و تذکره‌نویسان با نام‌های «ظفرنامه تیموری»، «اسکندرنامه تیموری»، «تیمورنامه»، «ظفرنامه منظوم» و «تُمُرنامه» خوانده شده است اما همان‌گونه که خود شاعر ذکر می‌کند بهترین و زیبنده‌ترین نام آن «تُمُرنامه» است:

شدند آن حریفان فرخنده رای به سوی تُمُرنامه‌ام رهنمای
(هاتقی: بی‌تا، ۱۵۸ ر)

در اغلب نسخه‌های خطی که از اثر مشاهده شد، نام «تُمُرنامه» ذکر شده است. هاتقی حماسه تیمور گورکان را «حسب‌الحکم میرزا بدیع‌الزمان بن سلطان حسین میرزا بایقرا نظم نموده است» (فخرالزمانی، ۱۳۴۰: ۱۱۴) و پس از اتمام کار «آن را به نام سلطان حسین بایقرا، پادشاه معروف تیموری می‌کند» (صفا، ۱۳۶۹: ۳۶۱). منبع هاتقی، ظفرنامه شرف‌الدین علی یزدی است و شاعر مباحثات می‌کند که منظومه را بر اساس واقعیات تاریخی و

منبعی معتبر به رشته نظم درآورده است نه مشتی افسانه و خرافات و بدین طریق تعریضی به اسکندرنامه نظامی می‌زند. سال نظم تمّرنامه بنا بر آنچه امیرعلیشیر نوایی در مجالس النفایس ذکر می‌کند، حدود ۸۹۶ هـ. ق. است (امیرعلیشیر نوایی، ۱۳۲۳: ۶۲).

همان طور که گفته شد، تمّرنامه حماسه‌ای است تاریخی که به تقلید از شاهنامه فردوسی و اسکندرنامه نظامی سروده شده است و تأثیر این دو شاهکار ادب فارسی در آن مشهود است. تعداد ابیات آن بر اساس تصحیح انتقادی که انجام دادیم، ۴۷۰۱ بیت است.

منظومه همچون دیگر آثار هاتفی با سپاس و ستایش حضرت باری تعالی آغاز می‌گردد:

به نام خدایی که فکر و خرد نیارد که تا کنه او پی برد

(هاتفی، بی تا: ۳ ر)

شاعر پس از آن تصرّح به درگاه حضرت حق و مدد گرفتن از او برای توفیق در انجام واجبات و ترک محرّمات و پیروی از هوای نفس، به ستایش سرور کاینات، محمد مصطفی (ص) می‌پردازد و معجزات و کرامات او را برمی‌شمرد:

بلرزید از صییت او سومنات نگوئسار گشتند غزّی ولات

(هاتفی، بی تا: ۱۱ ر)

توصیف معراج رسول اکرم (ص)، منزل بعدی است که در دیگر آثار هاتفی نیز با زبان و بیانی دیگر به چشم می‌خورد. در این اثر بر خلاف دیگر آثار هاتفی، نعت و منقبت امامان شیعه وجود ندارد و پس از وصف معراج به سبب نظم کتاب و سرگذشت زندگی تیمور از آغاز نوجوانی تا زمان رحلت پرداخته می‌شود.

تمّرنامه هرچند بر اساس ظفرنامه منثور شرف‌الدین علی یزدی به نظم درآمده است اما تاریخ صرف نیست. هاتفی به خوبی با آثار حماسی قبل از خود به‌ویژه شاهنامه فردوسی و اسکندرنامه نظامی آشنایی داشته و بارها این دو اثر را خوانده است و به علل توفیق آن‌ها آگاه است. تأثیر این دو کتاب را در جای جای تمّرنامه می‌توان مشاهده کرد.

شاعر در بسیاری موارد، ظفرنامه یزدی را به کنار می‌گذارد و با استفاده از ذهن خلاق خود و بهره‌گیری از آرایه‌های ادبی به‌ویژه تشبیه و اغراق که جان‌مایه خلق یک اثر حماسی است، صحنه‌ها و مناظری بدیع خلق می‌کند. وی در پایان منظومه، از کرده خویش پشیمان است زیرا در می‌یابد که به نظم درآوردن زندگی پادشاهی ظالم که همه عمر کاری جز باده‌نوشی و خون‌آشامی و کشتن هم‌وطنان بی‌گناه وی و ساختن کله مناره‌ها نداشته است پاداشی اخروی نخواهد داشت. شاهزادگان تیموری نیز به وعده‌های خود عمل نکردند و پاداشی در خور به وی ندادند. به نظر می‌رسد هاتفی نیز همچون فردوسی در پایان عمر دچار فقر و تنگدستی شده باشد.

تهی دستم اکنون ز دنیا و دین از ایشان نه آن حاصلم شد نه این

(هاتفی، بی تا: ۱۵۹ ر)

این مثنوی به علّت اشتهاار بیش از حد در زمان خود، به نام‌های متعدّدی خوانده شده خود شاعر نیز در اثرش از آن، با نام‌های مختلفی یاد کرده است. نام‌های گوناگون کتاب عبارتند از:

۱-۵. تیمورنامه

یکی از رایج‌ترین نام‌های این اثر است. به این علّت این اثر را تیمورنامه خوانده‌اند که در شرح دلاوری‌ها و لشکرکشی‌های امیر تیمور گورکانی سروده شده است. بیشتر تاریخ ادبیات نویسان معاصر از این اثر با همین نام یاد

کرده‌اند. از جمله رضازاده شفق (۱۳۶۹: ۳۴۹)، اته (۱۳۳۷: ۶۲)، ریپکا (۱۳۸۳: ۸۵۷) و از مقلدَمین: حسن بیگ روملو (روملو، ۱۳۵۷: ۲۲۷) و محمد مظفّرحسین صبا (۱۳۴۳: ۹۱۸).

۲-۵. تُمُرنامه

تُمُر صورت دیگری است از لفظ تیمور که شاعر بنا بر ضرورت وزن شعر، در سراسر اثر از آن استفاده کرده است. وی در یک جا به صراحت اثر خود را تُمُرنامه خوانده است:

شدند آن حریفان فرخنده رای به سوی تُمُرنامه‌ام رهنمای

(هاتقی، بی تا: ۱۵۸ ر)

بر همین اساس بسیاری از تذکره‌نویسان از این اثر با همین نام یاد کرده‌اند. از جمله فخرالزَمانی (۱۳۴۰: ۱۱۴)، سام میرزا (۱۳۵۴: ۱۶۳)، امین احمدرازی (رازی، ۱۳۷۸: ۷۰۱/۲)، صفا (۱۳۶۴: ۳۶۰) و (۱۳۷۱: ۴۴۲/۴) و زرین کوب (۱۳۷۵: ۳۹۱).

۳-۵. ظفرنامه تیموری

از آنجایی که منبع هاتقی در سرودن این اثر، ظفرنامه شرف‌الدین علی یزدی است، آن را به این نام می‌خوانند. شاعر خود در جایی، با اشاره به افسانه بودن اسکندرنامه نظامی و این‌که اثرش را بر اساس واقعیات تاریخی و نه بر اساس مشتی افسانه و دروغ سروده و منبعی معتبر را به نظم درآورده، از اثرش با نام ظفرنامه یاد می‌کند:

چو دیدم در آن قصّه پرفروغ ظفرنامه‌ای یافتم بی دروغ

(هاتقی، بی تا: ۱۵۸ ر)

از جمله کسانی که از این اثر با نام ظفرنامه یاد کرده‌اند، به این افراد می‌توان اشاره نمود: امیرعلیشیر نوایی (۱۳۲۳: ۶۲) و افشار (۱۳۳۲: ۳۶۰-۳۵۶). ذکر این نکته نیز خالی از فایده نیست که در زبان و ادب فارسی دوازده اثر منثور و منظوم با نام ظفرنامه به رشته تحریر در آمده است که عبارتند از: ۱- ظفرنامه ابن سینا ۲- ظفرنامه حمدالله مستوفی ۳- ظفرنامه نظام الدین شامی ۴- ظفرنامه شرف الدین علی یزدی ۵- ظفرنامه هاتقی ۶- ظفرنامه قدسی ۷- ظفرنامه عالمگیری ۸- ظفرنامه کابل ۹- ظفرنامه رنجیت سنگه ۱۰- ظفرنامه بهر تپور ۱۱- ظفرنامه گویند سنگه ۱۲- ظفرنامه ناصری.

۴-۴. اسکندرنامه تیموری

هاتقی تُمُرنامه را در جواب اسکندرنامه نظامی سروده است و به همین دلیل این اثر با این نام نیز شناخته شده است. شاعر در تُمُرنامه این گونه می‌سراید:

یقین شد چو حال تُمُرخانی‌ام حکایات اسکندر ثانی‌ام...

(هاتقی، بی تا: ۱۵۸ ر)

به این اعتبار تُمُرنامه را اغلب نویسندگان از جمله میرخواند (۱۳۳۹: ۲۹۱/۷) اسکندرنامه تیموری نامیده‌اند اما جای تعجب است که تذکره‌نویس معروفی همچون لطفعلی آذر بیگدلی، این اثر را «شرف نامه» نامیده است (آذر بیگدلی، ۱۳۳۷: ۷۹).

۶- معرفی نسخه‌های خطی تُمُرنامه

تُمُرنامه به علت شهرت و مقبولیت بیش از حد و توجه و اهمیتی که پادشاهان تیموری در نشر و ترویج آن از خود نشان دادند، نسخ خطی فراوانی دارد و تاکنون بیش از ۱۵۰ نسخه خطی آن شناخته شده است. نویسندگان این مقاله در

تصحیح تمرنامه، از پنج نسخه خطی و یک نسخه چاپ سربی بهره برده‌اند. ملاک انتخاب نسخه‌ها داشتن اعتبار علمی و تاریخی و اسنادی اثر بوده است چنان که از چهار نسخه خطی موجود در کتابخانه آستان قدس رضوی تنها یک نسخه دارای ارزش و اعتبار تشخیص داده شد.^۲

نسخه‌های مورد استفاده در تصحیح عبارتند از:

۱-۶. نسخه خطی شماره ۵۲۴۴، کتابخانه و موزه ملی ملک (نسخه اساس)

با حدود ۶۶۰۰ بیت، تاریخ کتابت ۹۴۲ هـ. ق. که قدیمی‌ترین نسخه از میان نسخ مورد استفاده بوده است. کاتب آن درویش محمدبن حاجی ولی شیرازی است. این نسخه با توجه به تاریخ کتابت آن که از دیگر نسخه‌ها قدیمی‌تر است و همچنین کامل بودن آن به دلیل ابیات بیشتری که دارد و دقت خاص در ضبط واژه‌ها و با توجه به ارزیابی همه نسخه‌شناسان، نسخه اساس قرار گرفت.

در فهرست کتاب‌های خطی کتابخانه و موزه ملی ملک، مشخصات نسخه این گونه ذکر شده است: شماره عمومی: ۵۲۴۴؛ عنوان اصلی: تمرنامه؛ موضوع: ادبیات، شعر؛ نوع خط: نستعلیق ممتاز؛ مؤلف، سراینده: مولانا عبدالله هاتفی؛ سال تحریر: ۹۴۲ هـ. ق.؛ کاتب: درویش محمد محمدبن حاجی ولی شیرازی؛ نوع کاغذ: خطایی رنگارنگ؛ عدد اوراق ۱۶۰ برگ، تعداد سطرها: ۱۴ سطر؛ اندازه اوراق: طول ۲۱ و عرض ۱۳ سانتی‌متر (افشارودانش پژوه، ۱۳۵۴: ۱۷۱/۲).

۲-۶. نسخه خطی شماره ۵۹۳۶، کتابخانه و موزه ملی ملک

با حدود ۴۴۰۰ بیت، تاریخ کتابت اوایل قرن دهم، کاتب خواجه صالح بن میرک، از کاتبان معروف مکتب هرات. نسخه‌ای است تقریباً کامل اما نسبت به نسخه اساس اشتباهات بیشتری دارد. یکی از تفاوت‌های این نسخه با دیگر نسخ، ضبط کلمه «تمر» است که در دیگر نسخ به صورت «تیمور» ضبط شده است که با وزن شعر سازگار نیست. در تصحیح از این نسخه به عنوان نسخه «مل ۲» نام برده شد.

۳-۶. نسخه خطی شماره ۱۵۶۰۶، کتابخانه و موزه آستان قدس رضوی

اهمیت نسخه مذکور از آنجاست که به سال ۹۷۵ هـ. ق. توسط یکی از خوشنویسان معروف مکتب هرات به نام غلام علی الکاتب الهروی کتابت شده است و جزو نسخ نفیس کتابخانه آستان قدس رضوی است. صحت ابیات آن نزدیک به نسخه اساس است. تنها اشکال عمده آن افتادگی تعداد قابل توجهی از ابیات است. در تصحیح از آن به عنوان نسخه «رض» نام برده شد.

۴-۶. نسخه خطی شماره ۱۱۲ کتابخانه دانشکده الهیات دانشگاه فردوسی مشهد

در سال ۹۷۷ هـ. ق. توسط محمد زره‌ای، سرلوح کار مکتب هرات کتابت شده است. تعداد اوراق آن ۲۱۹ برگ ۱۱ سطر است. این نسخه از نظر کتابت، شبیه‌ترین نسخه به اساس است و جزو نسخه‌های خوب تمرنامه تلفی می‌گردد. در تصحیح از آن به عنوان نسخه «ال ۱» نام برده شد.

۵-۶. نسخه خطی شماره ۱۱۳، کتابخانه دانشکده الهیات دانشگاه فردوسی مشهد

به علت افتادگی صفحه آخر، کاتب و سال کتابت مشخص نیست. این نسخه با خط نستعلیق خوش نگارش شده است. نوع کاغذ آن زرافشان و صفحات مجدول به طلا و لاجورد است. در تصحیح از آن به عنوان نسخه «ال ۲» نام برده شد.

۶-۶. نسخه چاپ سربی، تصحیح ابوهاشم سید یوشع، مدرس، ۱۹۵۸م

ابوهاشم سید یوشع در سال ۱۹۵۸ م، تَمْرَنامه را تنها بر اساس دو نسخه خطی در دسترس تصحیح کرد و به چاپ رساند. نسخه اساس مورد استفاده مصحح به سال ۱۲۲۶ هـ ق استنساخ شده است. نسخه مذکور چه از نظر وزن و قافیه ابیات و چه از نظر ضبط نادرست کلمات اشکالاتی دارد. به عنوان مثال می‌توان به موارد زیر اشاره نمود:

خروشیدن کوس باغی‌گری
گذشت از نهم چرخ نیلوفری
(هاتفی، بی‌تا: ۵۶ ر)

که ضبط صحیح، یاغی‌گری است.

یا:

نخستین ز مشکوی یزدان پرست
کلید خراسانش آمد به دست
(هاتفی، بی‌تا: ۴۳ پ)

که ضبط صحیح سنکوی است. از این نسخه در تصحیح به عنوان نسخه «مد» نام برده شد.

۸. مختصات شعری منظومه تَمْرَنامه

در دوره تیموریان با وجود شکست‌های پیاپی ایرانیان از حکومت‌های ترکان جغتایی و ترکمانان و تطاول ازبکان و امثال این مصائب، سخنی از حماسه ملی در میان نمی‌توانست باشد اما در مقابل، نظم منظومه‌هایی به شیوه منظومه‌های حماسی در شرح حال گردنکشان قوم در میان شاعران معمول شد و بدینگونه بود که نظم حماسه‌های تاریخی در این دوره رواج پیدا کرد. یکی از معروف‌ترین این منظومه‌ها «تَمْرَنامه» است.

هاتفی به جای توسل به اطلاعات علمی و اصطلاحات فنی و نظایر این کارها، بیشتر به آوردن مضمون‌های تازه و تشبیهات دقیق در اوصاف اشخاص و اعمال آنان و میدان‌های جنگ و صف‌آرایی‌های قتال و امثال این امور توجه داشته است.

توصیف‌های هاتفی در نوع خود تازگی‌هایی دارد و از لحاظ زبان و بیان و محتوا و اندیشه بدیع است. آنگاه که به توصیف صحرای داغ کربلا می‌پردازد، توصیف آن‌قدر زنده و گویاست که خواننده با تمام وجود آن را حس می‌کند:

چنان ریگ گرمش زمین تاب شد
که نعل تکاور در آن آب شد
چرنده در آن سوزناک آفتاب
همی گشت بر روغن خود کباب
در آن بر به آبی که امید بود
همین چشمه گرم خورشید بود
هوا آتشین، تشنگان یقرار
همین نیزه و تیغ شان آبدار
همه تشنه لب، نیمروز تموز
تموزی کزو آتش آموخت سوز
(هاتفی، بی‌تا: ۸۴ پ)

توصیف‌های او از صحنه‌های رزم نیز در نوع خود زیبا و بدیع است:

بدن آهنین شد ز پیکان بسی
به جوشن نماند احتیاج کسی
کمان، خم چو ابروی جانان شده
ز هر گوشه غارتگر جان شده
شده پرچم طوق هافتنه بار
چو گیسوی کافر دلان تثار
کله خودها گشته گلگون همه
چو دل‌های عشاق پر خون همه

(هاتفی، بی تا: ۷۳ ر)

اسم صوت مرکب از دیگر مواردی است که در تُمُرنامه از بسامد بالایی برخوردار است و بیشتر شامل اسم صوت سلاح‌های رزم است. برخی از این اسم صوت‌ها همچون چکاک، طراق‌طرق و فشافش معمول و متداول است ولی برخی از آن‌ها همچون ها و هاو، طراق‌طرم، شپاشاب، ژراژار و ترنگ‌ترنگ نادر و کمیاب است و قبل از هاتفی بسیار کم به کار رفته است.

برآمد زناورد برنا و پیر شپاشاپ پیکان فشافش تیر

(هاتفی، بی تا: ۷۹ ر)

طراقا طراق گران سنگ‌ها همی رفت هر سو به فرسنگ‌ها

(هاتفی، بی تا: ۱۰۳ پ)

سنان‌ها گرفتند و زو هاو هاو نهادند در سین‌ها کاو کاو

(هاتفی، بی تا: ۷۴ ر)

برآمد چکاک شمشیرها کشید آن چکاک تا دیرها

(هاتفی، بی تا: ۸۰ ر)

با توجه به این که «تُمُرنامه» شرح جنگ‌ها و دلاوری‌های تیمور گورکان از فرمانروایان ترک آسیای میانه است، لغات و اصطلاحات ترکی، به ویژه اصطلاحات نظامی، در آن بسیار به چشم می‌خورد و آن را منبعی شایسته برای مطالعه و بررسی لغات ترکی رایج در زبان فارسی قرار داده است؛ لغاتی همچون جُرگه، سُوَرَن، اُشترک، آباغ، باج، هراوُل، اُتاغِه، جُرُنغار، بُرُنغار و....

اتاغِه چو مرغان بسمل شده پر از خون چو شمشیر قاتل شده

(هاتفی، بی تا: ۱۳۹ پ)

وجود لغات نادر و کهن، تُمُرنامه را در ردیف آثار مورد توجه فرهنگ‌نویسان و لغت‌شناسان قرار داده است؛ لغاتی که مانند آن‌ها را در کمتر اثری از آثار منثور و منظوم ادب فارسی می‌توان یافت. در این باره می‌توان به واژه‌های نادری چون تُفک، کَجیم، غُلُو، نیم‌تِه و یک آویز اشاره نمود که بسیاری از آن‌ها به عنوان تنها شاهد و مثال شعری در فرهنگ لغت دهخدا مورد استفاده قرار گرفته است.

همچنین به کارگیری لغات در معنایی خاص از دیگر ویژگی‌های «تُمُرنامه» است که به نمونه‌هایی اشاره می‌شود:

کرکس در معنی تیر:

چو در کرکس ترکش آمد زوال عقابان کین را فرو ریخت بال

(هاتفی، بی تا: ۱۱۱ ر)

سرکوب در معنی پشته‌ای که مقابل قلعه برای تسلط و فتح قلعه سازند:

برآورد از پیل و از چوب‌ها پی قلعه چرخ سرکوب‌ها

(هاتفی، بی تا: ۱۱۷ ر)

عبارت‌های نو و خیال‌انگیز نیز که ساخته ذهن خلاق هاتفی است و غالباً نمود چندانی در شعر دیگر شاعران ندارد، در تُمُرنامه کم و بیش به چشم می‌خورد؛ نمونه‌هایی از این عبارت‌ها چنین است: شهر بند امید، رف خانه ممکن، پشت

پلنگ به نظر آمدن زمین، چون پای شتر بودن فرق مرد جنگجو، تشبیه خردمند به شمع به این دلیل که پر از آب و آتش دهان است، عقابان کین، چون آستین خالی بودن خرطوم و...

از دیگر ویژگی‌های سبکی تُمُرنامه می‌توان به صبغۀ محلی در استعمال لغات و اصطلاحات اشاره کرد: خورد: به معنی کوچک و خُرد که هنوز هم با همین تلفظ در شرق خراسان و افغانستان استعمال می‌شود: به جنگ اندر آیند خورد و بزرگ به چنگال و دندان، چه درنده گرگ (هاتفی، بی‌تا: ۱۰۲ ر)

لک: صد هزار

دُو داد آن کسی را که دادی یکی تُمن داد و لک داد، نی اندکی (هاتفی، بی‌تا: ۱۰۱ ر)

۷- صنایع شعری

با وجود این که شعر هاتفی در تُمُرنامه ساده و روان است اما وی از آرایه‌های ادبی غافل نبوده است و تقریباً تمام آرایه‌های لفظی و معنوی در تُمُرنامه به چشم می‌خورد. گاه در یک بیت شاهد چند آرایه ادبی هستیم. چنان که در این بیت: «کنیم از شکافنده خنجر سبک/سبکسر عدو تو را سر سبک» که دارای آرایه‌های واج‌آرایی، ایهام، تکرار، عکس، جناس تام و کنایه است.

در میان آرایه‌های ادبی، تشبیه، واج‌آرایی، اغراق، انواع جناس و لفّ و نشر از بسامد بالایی برخوردار است:

- انواع جناس:

- جناس تام:

گر از کاشغر تا به سرحدّ چین هژبران درآرند چین در جبین (هاتفی، بی‌تا: ۹۱ ر)

- جناس ناقص:

ز روینه خُم پیل را خَم دهند ز خون عدو خاک را نم دهند (هاتفی، بی‌تا: ۱۵۷ ر)

- جناس زاید:

که چون رفت، آینده رومیان برافتاد دار و مدار از میان (هاتفی، بی‌تا: ۱۵۱ پ)

- جناس مُدبّل:

جو آن شاه فرخ فر پاک کیش فرستاده روم را خواند پیش (هاتفی، بی‌تا: ۱۵۱ ر)

- جناس مُطَرّف:

روان شد به آهنگ شهر حَمّا به زیر نگین از سمک تا سَمّا

(هاتفی، بی تا: ۱۳۵ پ)

- جناس خط:

برآورد نوبت زن، آواز کوس

سحر چون برآمد خروش خروس

(هاتفی، بی تا: ۱۵۴ پ)

- جناس اشتقاق:

برآراست از آدمی و ملک

بساط زمین و بسط فلک

(هاتفی، بی تا: ۶ پ)

- اعنات:

نهی زیر طاووس باغ بهشت

اگر بیضه زاغ ظلمت سرشت

زانجیر جنّت دهی ارزنش

به هنگام آن بیضه پروردنش

در آن بیضه دم در دم جبرئیل

دهی آبش از چشمه سلسیل

برد رنج بیهوده طاووس باغ

شود عاقبت بیضه زاغ زاغ

(هاتفی، بی تا: ۸۵ پ)

- انواع تکرار:

- هم حروفی: (تکرار صامتی در آغاز کلمات شعر)مانند:

شده چاک چاک از چکاچاک تیغ

تن و تارک و ترک ها بی دریغ

(هاتفی، بی تا: ۱۱۱ پ)

هم صدایی: (تکرار مصوت):

بـده دادم ای داده داد همـه

ز یادم مرو ای به یادم همه

(هاتفی، بی تا: ۸ پ)

واج آرایبی:

شده چاک چاک از چکاچاک تیغ

تن و تارک و ترکها بی دریغ

(هاتفی، بی تا: ۱۱۱ پ)

- اغراق:

که چرخ کر، مهر و افلاک کور

شد از شیهه و گرم سمّ ستور

(هاتفی، بی تا: ۱۱۰ ر)

تشبیه:

بساط زمین شد ادیم پلنگ

جهان گشت از ترک و هندو دو رنگ

(هاتفی، بی تا: ۱۱۱ ر)

- لفّ و نشر:

سران کوفتی، سینه بشکافتی

به کویال و نیزه چو بشتافتی

(هاتقی، بی تا: ۶ پ)

هاتقی در سرودن «تُمُرنامه» بیشترین تأثیر را از شاهنامه فردوسی پذیرفته است و گاه بیت یا مصرعی از آن را تضمین کرده است:

چه خوش گفت فردوسی نامدار «به لشکر نیاید سیاهی به کار»

(هاتقی، بی تا: ۱۲۷ پ)

یادآوری می گردد اگرچه صنایع شعری در «تُمُرنامه» کاربرد دارد اما این اثر از مضامین پیچیده و تعقیدات لفظی و معنوی خالی است. تمثیل‌های تُمُرنامه نیز در نوع خود تازه و زیبا و خواندنی است:

ز نظاره آن، هراسان سپاه چو نادار از دیدن قرض خواه

(هاتقی، بی تا: ۱۰۳ ر)

جهان را پسند است یک شهریار زنی را دو شوهر نیاید به کار

(هاتقی، بی تا: ۴۰ پ)

هاتقی برای مضمون‌پردازی و تأثیر بیشتر سخنش از عقاید و باورهای خرافی نیز بهره برده است:

خَم آورد در پیل و بر خُم روی وز آن بار گاو زمین چاره جوی

(هاتقی، بی تا: ۱۰۹ ر)

پلنگش زده پنجه بر روی ماه از آن روی ماه است لختی سیاه

(هاتقی، بی تا: ۱۰۳ ر)

اشاره به داستان ایستادن پلنگ در بلندی و حمله کردن به ماه که نشانه غرور آن است.

هاتقی در خلال توصیف نبردها و کشورگشایی‌های تیمور، اشاره‌هایی نیز به آداب و رسوم مغولان و تیموریان دارد:

جهان تنگ شد بر وحوش و طیور ز مه تا به ماهی در آمد به شور

خر وحش از وحشت آن شکار شده آرزومند پالان و بار

ز خرگوش و نخجیر و آهو و گور بکشتند چندان در آن دشت دور

گوزن هراسنده، گاو خراس ز بس گرد جرگه دوید از هراس

که نتوان حسابش به کلک و زبان نه در گوش گنجد نه اندر دهان

(هاتقی، بی تا: ۶۳ ر)

که اشاره به آیین مخصوص مغولان در شکار دارد که به آن نَرکه یا جُرگه می گفتند (جوینی، ۱۳۸۷: ۶۰).

و یا:

تُغزهای شاهانه بیش از شمار در آن عرضگه برد هنگام بار

غلامان ترکی زبان، هشت برد به جای نهم خویشان را شمرد

(هاتقی، بی تا: ۱۰۵ ر)

که به تقدس عدد نه (تُغز) نزد مغولان و این که از هر چیز، نه عدد به عنوان هدیه و پیشکش می دادند، اشاره دارد. با وجود این که هاتقی عارف مسلک است، در بسیاری موارد برای جنایت‌ها و کشتارهای بی رحمانه تیمور، عذر و توجیهی شرعی می آورد. از نگاه هاتقی، تیمور اجراکننده دستورات و فرمان‌های خداوند است و کشته‌شوندگان، مغضوبان الهی‌اند. تیمور شخصیتی است که برای ترویج و گسترش اسلام لشکرکشی می کند و هدف او از این لشکرکشی ها قلع و قمع

کافران و بت‌پرستان است. پس از قتل عام هفتاد هزار نفر از مردم بی‌گناه اصفهان توسط سپاه تیمور، هاتفی این گونه می‌سراید:

بِهانه تَمَر بود اَمّا خدای
خداگر نخواهد ز طوفان عاد
غضب را بر آن قوم شد رهنمای
نجنبید یکی گاه برگگی ز باد
(هاتفی، بی‌تا: ۵۷ پ)

اما هاتفی در پایان کار از کرده خود پشیمان می‌شود:

مرا بهترین روزگار شگرف
بسی ساختم قصّه پرفروغ
نی کلکم آفاق را کرد پُر
شب و روز اوصافشان ساختم
تهی دستم اکنون ز دنیا و دین
به وصف تمرخانیان گشت صرف
در آن شیوه چه راست و چه دروغ
ز اوصاف شهزادگان تُمُر
به دین و به دنیا نپرداختم
وز ایشان نه آن حاصل شد نه این
(هاتفی، بی‌تا: ۱۵۹ ر)

۸- جایگاه «تُمُرنامه» در ادب فارسی

پس از نظم تُمُرنامه، فرزندان و نوادگان تیمور، در نشر و ترویج این اثر از خود اهتمام قابل توجهی نشان دادند. بی دلیل نیست که امروزه بیش از ۱۵۰ نسخه خطی این اثر شناخته شده است.

توفیق هاتفی در خلق حماسه‌ای تاریخی که آن را در ردیف بهترین حماسه‌های تاریخی زبان فارسی قرار داده است موجب شد ادیبان و تذکره‌نویسان از همان آغاز خلق این اثر، زبان به تمجید و تحسین آن بکشایند؛ چنان که امیرعلیشیر نوایی در مجالس النفایس ضمن ستایش از تُمُرنامه می‌نویسد: «این بیت از وی را که در وصف میدان جنگ است مردم می‌خوانند:

فداده در آن پهن دشت درشت
سر ناتراشیده چون خارپشت»
(امیرعلیشیر نوایی، ۱۳۲۳: ۶۲)

سام میرزا از دیگر معاصران هاتفی این گونه می‌نویسد: «زُبده شعرا و افصح فُصحا بود و در شعر، خصوصاً مثنوی، گوی مسابقت از امثال و اقران می‌ربود» (سام میرزا، ۱۳۵۴: ۱۶۰)

حسن بیگ روملو که اثر خود، احسن التّواریخ، را چندی پس از نظم تُمُرنامه به رشته تحریر درآورده است در جای جای کتاب، اشعار تُمُرنامه را چاشنی نوشته‌های خود کرده است. به عنوان مثال در توصیف نبرد شاه اسماعیل صفوی با شیبک‌خان ازبک، ابیات زیر را از تُمُرنامه ذکر می‌کند:

از آن سوی خان قیامت شکوه
یمین و یسارش شد آراسته
بیاراست صفی چو البرز کوه
ز خیل هژبران نوخاسته
جوانان شیرانشان ساده روی
نهنگان ندارند بر روی موی
(روملو، ۱۳۵۷: ۲۲۷)

فخرالزمانی قزوینی درباره تُمُرنامه می‌نویسد: «الحق که در آن مثنوی شاعری کرده و آنچه لازمه سخنوری است دقیقه‌ای فرو گذاشت ننموده، در این جزو زمان مقبول طبع خاص و عام عراق و خراسان و ترکستان است» (فخرالزمانی، ۱۳۴۰: ۱۱۵).

امین احمد رازی اعتقاد دارد: «تُمُرنامه هاتفی عظیم شهرت دارد» (رازی، ۱۳۷۸: ۷۰/۱/۲).

هرمان اِته درباره آن می‌نویسد: «تُمُرنامه جهت شاعرانه بارزی دارد و در واقع نماینده داستان تاریخی است و تصنیفات متأخرتر به مقام آن نمی‌رسد» (اِته، ۱۳۳۷: ۶۲).

پاول هُرن مستشرق آلمانی «تُمُرنامه را مهم‌ترین حماسه فارسی پس از شاهنامه فردوسی می‌داند» (ریپکا، ۱۳۸۳: ۸۵۷)؛ هر چند این سخن قدری مبالغه‌آمیز است اما از عظمت و بزرگی اثر خبر می‌دهد.

بلوشه، مستشرق فرانسوی «منظومه او را به کمال سبک و بلندی شعر می‌ستاید» (مرتضوی، ۱۳۵۸: ۵۷۱).

منوچهر مرتضوی اعتقاد دارد: «تُمُرنامه مشهورترین منظومه تاریخی دوره مغول و تیموری محسوب می‌شود و هاتفی موفق‌ترین سراینده آن دوره در زمینه حماسه‌های تاریخی به شمار می‌رود» (مرتضوی، ۱۳۵۸: ۵۷۱).

منصور رستگار فسایی، هاتفی را از بزرگترین مثنوی‌سرایان قرن نهم و دهم می‌داند و تُمُرنامه‌اش را جزو بهترین حماسه‌های تاریخی می‌داند (رستگار فسایی، ۱۳۷۲: ۴۳۱).

۱۰- نتیجه

معروف‌ترین اثر هاتفی «تُمُرنامه» است که به تقلید از شاهنامه فردوسی و اسکندرنامه نظامی سروده شده است و آشنایی با آن می‌تواند هم زمینه مطالعه تأثیر بزرگانی چون فردوسی و نظامی را تا عصر مؤلف در ادبیات فارسی فراهم سازد و هم زمینه‌ای برای آشنایی بیشتر با دیگر منظومه‌های حماسی ادب فارسی باشد. هاتفی در سرودن «تُمُرنامه» بیشترین تأثیر را از شاهنامه فردوسی پذیرفته است و گاه بیت یا مصرعی از آن را تضمین کرده است.

وجود واژگان کهن و نادر و لغات و اصطلاحات ترکی و مغولی رایج در زبان فارسی، تمرنامه را منبعی شایسته توجّه فرهنگ‌نویسان قرار داده است. جنبه تاریخی اثر نیز حائز اهمیت بسیاری است. این حماسه تاریخی به شرح زندگی تیمور گورکان به خصوص جنگ‌ها و نبردهای وی می‌پردازد.

این مثنوی در آثار ادیبان و تذکره‌نویسان با نام‌های «ظفرنامه تیموری»، «اسکندرنامه تیموری»، «تیمورنامه»، «ظفرنامه منظوم» و «تُمُرنامه» خوانده شده است اما همان‌گونه که خود شاعر ذکر می‌کند، بهترین و زینده‌ترین نام آن «تُمُرنامه» است.

با وجود این که شعر هاتفی در تمرنامه ساده و روان است، اما وی از صنایع ادبی نیز سود جسته و تقریباً تمام آرایه‌های لفظی و معنوی را به کار برده است.

جای خالی تصحیح تُمُرنامه به عنوان مهم‌ترین حماسه دوره تیموری، نه تنها در مجموعه ادب حماسی بلکه در پهنه ادبیات فارسی محسوس بود. و معرفی و تصحیح آن، تلاش برای احیاء و بازگرداندن یکی از متون ادبی دوره تیموری به مجموعه بزرگ و ارزشمند ادب فارسی است و بی تردید، موجب فراهم آوردن زمینه مناسب برای آشنایی بیشتر محققان، دانشجویان و دوستداران ادب فارسی، با یکی از شخصیت‌های مهم ادبی دوره تیموری است.

پی‌نوشت‌ها

- ۱- نسخه خطی منظومه تمرنامه اثر مولانا عبدالله هاتفی جامی به عنوان پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد در دانشگاه پیام نور مرکز برون مرزی (قزاقستان)، توسط محمدرضا قاسم‌زاده شان‌دیز و به راهنمایی دکتر حسن بساک در سال ۱۳۸۹ تصحیح شده است.
- ۲- در انتخاب و ارزش‌گذاری نسخه‌ها از راهنمایی کارشناسان محترم نسخ خطی آستان قدس رضوی، آقایان دکتر محمدرضا محمدیان، وفادار مرادی و فاضل هاشمی بهره‌ها بردیم که از همه این عزیزان سپاسگزاریم.

منابع

- ۱- آذریگدلی، لطفعلی بیگ (۱۳۳۷). *آشکده*، تصحیح سیدجعفر شهیدی، تهران: نشر کتاب.
- ۲- ابجدی هندی. (۱۹۴۴). *انورنامه*، تصحیح محمدحسین محوی، لکهنو: بی‌نا.
- ۳- اته، کارل هرمان. (۱۳۳۷). *تاریخ ادبیات فارسی*، ترجمه صادق رضازاده شفق، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- ۴- افشار، ایرج. (۱۳۳۲). *ظفرنامه*، مجله یغما، سال ۶ (۹)، پاییز، صص ۳۵۶ - ۳۸۵.
- ۵- ----- و محمد تقی دانش پژوه. (۱۳۵۴). *فهرست کتابهای خطی کتابخانه ملی ملک*، ج ۲، انتشارات کتابخانه ملی ملک، تهران.
- ۶- جوینی، عطاملک. (۱۷۸). *تاریخ جهانگشا* به انتخاب دکتر جعفر شعار، تهران: قطره.
- ۷- دانش‌پژوه، محمدتقی. (۱۳۳۹). *فهرست کتب خطی کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران*، تهران: دانشگاه تهران.
- ۸- درودگریان، فرهاد. (۱۳۸۶). *تصحیح انتقادی شاهنامه نواب عالی*، پایان‌نامه دکتری دانشگاه پیام نور تهران.
- ۹- دولت‌شاه سمرقندی. (۱۳۳۷). *تذکره الشعراء*، تصحیح محمد عباسی، تهران: نشر بارانی.
- ۱۰- رازی، امین احمد. (۱۳۷۸). *هفت اقلیم*، تصحیح محمدرضا طاهری، تهران: سروش.
- ۱۱- رستگار فسایی، منصور. (۱۳۷۲). *انواع شعر فارسی*، شیراز: نوید.
- ۱۲- رضازاده شفق، صادق. (۱۳۶۹). *تاریخ ادبیات ایران*، تهران: نشر آهنگ.
- ۱۳- روملو، حسن بیگ. (۱۳۵۷). *احسن التواریخ*، تصحیح عبدالحسین نوایی، تهران: بابک.
- ۱۴- ریپکا، یان. (۱۳۸۳). *تاریخ ادبیات ایران*، ترجمه ابوالقاسم سری، تهران: سخن.
- ۱۵- زرین‌کوب، عبدالحسین. (۱۳۷۵). *از گذشته‌های ادبی ایران*، تهران: نشر بین‌المللی الهدی، چاپ اول.
- ۱۶- سام میرزا اصفوی. (۱۳۵۴). *تحفه‌ی سامی*، تصحیح حسن وحید دستگردی، تهران: ارمغان.
- ۱۷- صبا، محمدمظفر حسین. (۱۳۴۳). *تذکره روز روشن*، تصحیح محمدحسین رکن‌زاده آدمیت، تهران: نشر کتابخانه رازی.
- ۱۸- صفا، ذبیح‌الله. (۱۳۶۹). *حماسه‌سرایی در ایران*، تهران: امیرکبیر.
- ۱۹- ----- (۱۳۷۱). *تاریخ ادبیات ایران*، ج ۴، تهران: نشر فردوس.
- ۲۰- عبدی بیگ شیرازی. (۱۹۶۶). *مجنون و لیلی*، تصحیح ابوالفضل رحیم‌اف، مسکو: دانش.
- ۲۱- فخرالزمانی، عبدالنبی. (۱۳۴۰). *تذکره‌ی میخانه*، به اهتمام احمد گلچین معانی، تهران: نشر سپهر.
- ۲۲- مرتضوی، منوچهر. (۱۳۵۸). *مسایل عصر ایلخانان*، تبریز: دانشگاه تبریز.
- ۲۳- میرخواند، محمد بن برهان‌الدین خواند شاه. (۱۳۳۹). *تاریخ روضه‌الصفاء*، تهران: انتشارات خیام.
- ۲۴- نفیسی، سعید. (۱۳۶۳). *تاریخ نظم و نثر در ایران و در زبان فارسی*، تهران: فروغی.
- ۲۵- نوایی، امیرعلیشیر. (۱۳۲۳). *مجالس النفایس (لطائف‌نامه)*، به کوشش علی‌اصغر حکمت، تهران: بانک ملی.
- ۲۶- هاتفی، عبدالله. (۱۹۷۷). *شیرین و خسرو*، به کوشش سعدالله اسدالله یف، مسکو: دانش.
- ۲۷- ----- (۱۳۸۷). *شاهنامه*، تصحیح سیدعلی آل‌داود، تهران: فرهنگستان زبان و ادب فارسی.
- ۲۸- ----- (بی‌تا). *تُرنامه*، نسخه خطی شماره ۵۲۴۴ کتابخانه و موزه ملی ملک، شماره عمومی ۵۲۴۴.
- ۲۹- یارشاطر، احسان. (۱۳۳۴). *شعر فارسی در عهد شاهرخ*، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.